

## تحلیل فرهنگ سیاسی ایران

### مطالعه موردی: شهروندان شهرهای ارومیه و خرم‌آباد

اسماعیل شریفی<sup>1\*</sup>، علی ساعی<sup>2</sup>، سعید معیدفر<sup>3</sup>

(تاریخ دریافت: 93/7/1، تاریخ پذیرش: 93/12/26)

#### چکیده

در این مقاله، فرهنگ سیاسی جامعه ایران را در یک بازه کیفی اقتدارگرایی تا دموکراتیک‌گرایی بررسی و تحلیل کرده‌ایم. دیدگاه‌های نظری شکل گرفته در باب فرهنگ سیاسی ایران تحلیل‌های متفاوت و گاه متضاد دارند. دسته‌ای از این دیدگاه‌ها ویژگی‌های فرهنگ سیاسی ایران را غیردموکراتیک و اقتدارگرایانه معرفی کرده و دسته دیگر شاخص‌های دموکراتیک را به آن نسبت داده‌اند؛ از جمله این شاخصه‌ها تأکید بر میزان زیاد مشارکت سیاسی در دوره‌های مختلف انتخاباتی است. در این پژوهش، با استفاده از روش کمی پیمایشی بر مبنای داده‌های فازی، فرهنگ سیاسی دو شهر ارومیه و خرم‌آباد را که به ترتیب کمترین و بیشترین میزان مشارکت انتخاباتی را در دوره‌های مختلف انتخاباتی داشته‌اند، تحلیل کرده‌ایم تا با استفاده از یافته‌های تجربی، صحت و سقم نظریه‌ها و دیدگاه‌های فرهنگ سیاسی ایران را بیازماییم. برای

\*esharifi\_is@yahoo.com

1. استادیار، گروه جامعه‌شناسی، دانشگاه آیت‌الله بروجردی (ه)، خرم‌آباد، ایران

2. استادیار، گروه جامعه‌شناسی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران

3. دانشیار، گروه علوم اجتماعی، دانشگاه تهران، تهران، ایران

این منظور، میزان عضویت شهروندان را در دو مجموعه فرهنگ سیاسی ارزیابی کرده‌ایم: ارزش‌های ابراز وجود در برابر ارزش‌های بقا و ارزش‌های عقلانی در برابر ارزش‌های سستی، الگوی فرهنگ سیاسی آن‌ها را تعیین می‌کند. نتایج پژوهش نشان می‌دهد الگوی فرهنگ سیاسی ارومیه و خرم‌آباد تاحدودی شبیه به یکدیگر است. برخلاف تصور قبلی، در هیچ‌کدام از دو شهر، فرهنگ سیاسی همسان و واحدی مشاهده نشده است. بنابراین، مجموعه ارزش‌های سیاسی توده مجموعه‌ای دوجبهی است که هم تمایلات دموکراتیک و هم تعلقات اقتدارگرایی دارد و مهم‌تر این است که الگوی فرهنگ سیاسی شهروندان با میزان مشارکت انتخاباتی آنان مطابقت ندارد؛ بنابراین این استدلال که زیاد بودن مشارکت انتخاباتی می‌تواند شاخصی برای ارتقای فرهنگ سیاسی و نشان‌دهنده دموکراتیک بودن آن باشد، با واقعیت همخوانی ندارد.

واژه‌های کلیدی: فرهنگ سیاسی، اقتدارگرا، مشارکت‌گرا، دموکراتیک، مجموعه فازی.

## 1. طرح مسئله

موضوع این مقاله ناظر بر فرهنگ سیاسی جامعه ایران است. فرهنگ سیاسی<sup>1</sup> به‌عنوان بخشی از فرهنگ عمومی، نظامی از باورها، ارزش‌ها و هنجارهایی است که پایه کنش سیاسی توده، نخبگان و حاکمان قرار می‌گیرد. یافته‌های تحقیقاتی در سطح جهانی و ملی و نیز آرای صاحب‌نظران حوزه فرهنگ سیاسی بر این مهم تأکید می‌کنند که قوام و پای‌داری هرگونه مشارکت سیاسی، ثبات سیاسی، توسعه سیاسی، برابری سیاسی، توزیع برابر قدرت در جامعه و شکل‌گیری دموکراسی پای‌دار در جامعه به خاستگاه فرهنگ سیاسی مردم آن جامعه بستگی دارد (اینگلههارت و ولزل، 1389؛ عظیمی و رسولی، 1389؛ Wels & Inglehart 2008). بنابراین، فرهنگ سیاسی و نگرش‌ها و ارزش‌های سیاسی جامعه در تعیین ماهیت توزیع قدرت سیاسی و نوع نظام سیاسی جامعه نقشی مهم دارد.

پژوهش‌هایی که درباره فرهنگ سیاسی ایران انجام گرفته است،<sup>2</sup> به دو دسته تقسیم می‌شود:<sup>3</sup> یک دسته از این پژوهش‌ها در تحلیل یافته‌ها و نتایجشان، فرهنگ سیاسی ایران را از نوع اقتدارگرایانه<sup>4</sup> معرفی کرده‌اند. در این پژوهش‌ها، ویژگی‌های فرهنگ سیاسی ایران عبارت‌اند از: بیگانگی و وضعیت ازخودبیگانه، اقتدارگرایی، سرکوب و کنترل فرهنگی، پیرومنشی، آمریت و

تابعت، عدم تساهل و سعه صدر، خشونت و سیاست‌گریزی، استبدادگرایی، کلی‌گویی، قوم‌مداری و فرهنگ عشیره‌ای، فقدان شفافیت، فقدان وحدت فرد با جمع، بی‌اعتمادی و بدبینی سیاسی (ششیریه، 1380؛ زونیس، 1387؛ سریع‌القلم، 1387؛ اخوان کاظمی، 1386؛ رفیع‌پور، 1379؛ آل‌غفور، 1380؛ مصلی‌نژاد، 1388؛ عالی‌زاده، 1384؛ جهانگیری، 1380).

دسته دوم پژوهش‌ها فرهنگ سیاسی ایران را مشارکت‌گرایانه<sup>5</sup> و دموکراتیک ارزیابی کرده‌اند. این دسته طیفی از پژوهش‌ها از نوع تبعی - مشارکتی تا مشارکتی - دموکراتیک را شامل می‌شوند. ویژگی‌های فرهنگ سیاسی ایران در این پژوهش‌ها عبارت‌اند از: فرهنگ‌پذیری، گسترش جامعه مدنی، مشارکت اقلیت‌ها و قومیت‌ها، کاهش اقتدارگرایی ساخت‌های سیاسی، میانه‌روی و چانه‌زنی، قانون‌گرایی، نظم‌پذیری، مسئولیت‌پذیری، ظلم‌ستیزی، عدالت‌خواهی، شورا و مشورت، آزادی‌خواهی و روحیه تعاون (گلچین، 1387؛ سینایی و ابراهیم‌آبادی، 1384؛ فرهادی، 1387 و 1391؛ کیخا، 1383؛ شریف، 1381؛ احسانی، 1386). یکی از شاخص‌های مهمی که این دسته از پژوهش‌ها به استناد آن، فرهنگ سیاسی ایران را توسعه‌یافته و دموکراتیک معرفی می‌کنند، میزان زیاد مشارکت انتخاباتی است. در این گروه تحقیقات، حضور بیشتر مردم در پای صندوق‌های رأی نشان‌دهنده فرهنگ سیاسی مشارکتی و دموکراتیک بوده است.

در جمع‌بندی درباره این پژوهش‌ها می‌توان گفت که آن‌ها فرهنگ سیاسی ایران را بر مبنای منطق ارسطویی<sup>6</sup> ارزیابی کرده‌اند. به همین دلیل در نتیجه‌گیری، فرهنگ سیاسی ایران را یا اقتدارگرایانه معرفی کرده‌اند یا دموکراتیک. اما در این پژوهش، برای اجتناب از داوری‌های تک‌بعدی، فرهنگ سیاسی را در یک بازه کیفی از اقتدارگرایی تا دموکراتیک‌گرایی بررسی کرده‌ایم.

مسئله این پژوهش از نوع نظری<sup>7</sup> و ناظر بر ناسازگاری رویکردهای نظری درباره فرهنگ سیاسی ایران است. هدف پژوهش این است که فرهنگ سیاسی ایران را توصیف کنیم و نشان دهیم که براساس واقعیت تجربی، فرهنگ سیاسی در بازه اقتدارگرایی و دموکراتیک‌گرایی دارای چه الگویی می‌شود. نتایج این پژوهش می‌تواند شاهدهی بر درجه صدق یا کذب داده‌های نظری و تجربی پژوهش‌های پیشین باشد و نیز داده‌های تجربی جدیدی را برای داوری در باب الگوی فرهنگ سیاسی جامعه ایران فراهم کند. این پیمایش از نوع توصیفی است؛ بنابراین سؤال مقاله و پاسخ تجربی آن نیز منطقاً توصیفی خواهد بود: فرهنگ سیاسی در ایران چگونه است؟

## 2. چارچوب نظری

چارچوب نظری این پژوهش بر مبنای نظریه فرهنگ سیاسی اینگلهارت ساخته شده است. در این نظریه، فرهنگ سیاسی طیفی است که در یک جهت، اقتدارگرایی و در جهت دیگر، دموکراتیک‌گرایی را شامل می‌شود. جایگاه هر کشوری در این طیف به میزان برخورداری از شاخص‌های اقتدارگرایی یا دموکراتیک‌گرایی، متغیر خواهد بود. در این نظریه، هر یک از ابعاد فرهنگ سیاسی با دو شاخص سنجیده می‌شود: فرهنگ سیاسی دموکراتیک دارای دو شاخص ارزش‌های عقلانی و ارزش‌های ابراز وجود، و فرهنگ سیاسی اقتدارگرا دارای دو شاخص ارزش‌های سستی و ارزش‌های بقاست (اینگلهارت و ولزل، 1389). هر یک از مجموعه ارزش‌های فرهنگ سیاسی دموکراتیک در تقابل با مجموعه ارزش‌های فرهنگ سیاسی اقتدارگرا قرار می‌گیرد؛ بنابراین لازمه دموکراسی پای‌دار دگرگونی در دو مجموعه ارزش‌های فرهنگ سیاسی است:

الف. ارزش‌های سستی در مقابل ارزش‌های عقلانی: دگرگونی از ارزش‌های سستی به ارزش‌های عقلانی با دگرگونی از جامعه روستایی به جامعه صنعتی مرتبط است. جوامع سستی بر ارزش‌های سستی و احترام به ارزش‌های اقتدار و اطاعت از آن‌ها تأکید می‌کنند و به داشتن سطوح بالای غرور ملی متمایل هستند. با رشد صنعتی شدن، این جوامع سکولارتر و عقلانی‌تر می‌شوند (همان، 15).

ب. ارزش‌های بقا در مقابل ارزش‌های ابراز وجود: «دگرگونی از ارزش‌های بقا به ارزش‌های ابراز وجود با رشد جامعه فراصنعتی مرتبط می‌شود. این دگرگونی بازتاب تحول فرهنگی است که با جای‌گزینی نسل جوانی که به لحاظ ارزش‌های بقا رشد یافته‌اند، به وقوع می‌پیوندد» (همان‌جا). در جوامعی که ارزش‌های بقا حاکم است، افراد به ارزش‌های ماتریالیستی، امنیت اقتصادی و فیزیکی، و هم‌نوایی با ارزش‌های اجتماعی بسیار اولویت می‌دهند. اما جامعه‌ای که ارزش‌های ابراز وجود در آن حاکم است، مرحله توسعه اقتصادی - اجتماعی را پشت سر گذاشته و ارزش‌های پسماتریالیستی در آن ترجیح دارد. در چنین جامعه‌ای، افراد برای آزادی بیان، مشارکت در تصمیم‌گیری، فعالیت سیاسی، حمایت از محیط زیست، برابری جنسیتی و رشد تساهل در مقایسه با اقلیت‌های قومی و گروه‌های مختلف اهمیت بسیاری قائل‌اند.

شواهد تجربی که اینگلهارت و ولزل در پیمایش‌های جهانی خود از بیش از هشتاد کشور دنیا جمع‌آوری کرده‌اند،<sup>8</sup> نظریه فرهنگ سیاسی آن‌ها را تأیید می‌کند. براساس یافته‌های آن‌ها،

تحلیل فرهنگ سیاسی ایران \_\_\_\_\_ اسماعیل شریفی و همکاران

کشورهایی که از توسعه و ثبات سیاسی لازم برخوردارند و دارای نظام دموکراتیک کارآمد و استواری‌اند، فرهنگ سیاسی توده در آنها از نوع دموکراتیک است؛ اما در کشورهایی که قوام و پای‌داری نظام‌های اقتدارگرایانه و غیردموکراتیک مشاهده می‌شود، فرهنگ سیاسی توده اقتدارگرایانه است (اینگلهارت و ولزل، 1389).

در این مقاله، شاخص‌های ارزش‌های عقلانی، ارزش‌های ابراز وجود، ارزش‌های سنتی و ارزش‌های بقا را مبنای مدل نظری و بررسی تجربی فرهنگ سیاسی قرار داده‌ایم.

### 3. مدل نظری



درباره ساختار منطقی مدل نظری فرهنگ سیاسی باید گفت در این مدل به‌جای تأکید بر رابطه علی میان مؤلفه‌ها، فرهنگ سیاسی به‌مثابه یک کل ترکیب‌بندی‌شده<sup>9</sup> درک شده است. این کل ترکیب‌بندی‌شده سازه‌ای است که دارای دو بعد دموکراتیک و اقتدارگراست. بعد دموکراتیک از ترکیب دو مجموعه ارزش‌های عقلانی و ارزش‌های ابراز وجود و بعد اقتدارگرا از ترکیب دو مجموعه ارزش‌های سنتی و ارزش‌های بقا ساخته شده است. بر مبنای نظریه اینگلهارت، هرچه میزان عضویت در مجموعه ارزش‌های عقلانی و ارزش‌های ابراز وجود بیشتر باشد، فرهنگ سیاسی دموکراتیک‌تر خواهد بود و هرچه میزان عضویت در مجموعه ارزش‌های سنتی و ارزش‌های بقا بیشتر باشد، فرهنگ سیاسی اقتدارگرایانه است.

فرضیه مقاله ماهیت توصیفی دارد. در چارچوب روش فازی، ساختار منطقی گزاره فرضیه به این صورت است: «میزان عضویت شهروندان دو شهر ارومیه و خرم‌آباد در مجموعه فرهنگ

سیاسی تفاوت دارد؛ به طوری که شهروندان ارومیه بیشتر عضو مجموعه فرهنگ سیاسی اقتدارگرا و شهروندان خرم‌آباد بیشتر عضو مجموعه فرهنگ سیاسی دموکراتیک هستند».

#### 4. روش تحقیق

این پژوهش بر پیمایش فازی استوار است. برای گردآوری داده‌ها از ابزار پرسش‌نامه برپایه مقیاس فازی، و برای تحلیل داده‌ها از تکنیک جداول توزیع درصدی و میانگین فازی استفاده کرده‌ایم. در روش فازی، مفهوم مورد سنجش به مثابه یک مجموعه فازی در نظر گرفته می‌شود؛ آنگاه نوع و میزان عضویت اعضا در آن مجموعه تحلیل می‌شود. در این روش، صدق یک گزاره زیرمجموعه فازی یک بازه  $\{0 - 1\}$  فرض می‌شود. درجه عضویت در مجموعه گزاره‌های فازی مبتنی بر ارزش‌های بین صفر و یک است؛ بنابراین صدق و کذب گزاره‌ها همواره با درجاتی از عدم قطعیت همراه است (ساعی، 1388).

عنصر کلیدی در تابع عضویت فازی، درجه‌بندی میزان عضویت در یک مجموعه است. در روش شناسی فازی همه چیز به طور نسبی درجه‌بندی می‌شود و حقیقت چیزی بین صفر و یک است. در این دستگاه معرفتی، حقیقت سیاه و سفید به حقیقت خاکستری انتقال می‌یابد و همه چیز تابع اصل عدم قطعیت می‌شود. درجه عضویت اعضای یک مجموعه ارزش‌هایی را در بازه  $\{0 - 1\}$  اختیار می‌کند. ارزش یک بیانگر عضویت کامل و ارزش صفر نشان‌دهنده عدم عضویت کامل است. این اصل منطق فازی که هر چیزی درجه‌بندی پذیر است، در آزمون تجربی گزاره‌ها نیز صادق است (ساعی، 1388). در این پژوهش، درجات فازی مفاهیم را بر مبنای ارزش‌های جدول زیر تعیین کرده‌ایم:

جدول 1 ارزش‌های فازی

درجه‌بندی	برچسب زیبایی
0/99	عضویت کامل <sup>10</sup>
0/75	بیشتر درون مجموعه <sup>11</sup>
0/50	نقطه‌گذار <sup>12</sup>
0/25	بیشتر بیرون از مجموعه <sup>13</sup>
0/01	عدم عضویت کامل <sup>14</sup>

(منبع: ریگین، 2008 به نقل از ساعی، 1388)

#### 4-1. جمعیت آماری

جامعه آماری<sup>15</sup> این طرح شامل تمام شهروندان بیش از هجده سال ساکن شهرستان‌های ارومیه و خرم‌آباد است. فرمول مربوط به محاسبه تعداد نمونه با روش نمونه‌گیری تصادفی ساده ارائه شده و تعداد نمونه برای  $p=0/5$  با خطای نسبی  $0/08$  محاسبه شده است. در این تحقیق، اندازه نمونه با توجه به  $p=0.5$  و  $d=0.07$  برابر با 525 به دست آمده است. بعد از مشخص شدن تعداد کل نمونه (525)، متناسب با اندازه جمعیت شهرستان‌های مورد نظر، حجم نمونه هر شهرستان مشخص شده است.

جدول 2 حجم نمونه به تفکیک شهرها

شهر	تعداد نمونه
ارومیه	275
خرم‌آباد	250
جمع	525

در این تحقیق، واحد مشاهده فرد، و واحد تحلیل در بُعد بزرگ‌تر شهر و در بُعد کوچک‌تر فرد است.

#### 4-2. تعریف عملیاتی فرهنگ سیاسی

در این پژوهش، این تعریف از فرهنگ سیاسی را مبنای کار قرار داده‌ایم: طیفی از ارزش‌ها، نگرش‌ها، باورها و ایستارهای احساسی و شناختی افراد جامعه به نظام سیاسی، نخبگان سیاسی و نقش و جایگاه خود در زندگی سیاسی. فرهنگ سیاسی را در دو بعد اقتدارگرایی و دموکراتیک‌گرایی مطالعه کرده و هر یک از ابعاد دوگانه فرهنگ سیاسی را با معرف‌های تجربی زیر سنجیده‌ایم.

جدول 3 معرف‌های تجربی فرهنگ سیاسی

ابعاد	خرده‌ابعاد	معرف‌های تجربی
فرهنگ سیاسی اقتدارگرایانه	ارزش‌های بقا و مادی‌گرایانه	اولویت به امنیت اقتصادی و فیزیکی، سطوح پایین رضایت ذهنی و سلامت روحی و روانی، اعتقاد به علم و تکنولوژی، مشارکت اندک در فعالیت‌های زیست‌محیطی، اولویت به علوم طبیعی در مقابل علوم انسانی، قدرت انتخاب و تصمیم‌گیری پایین
		مشارکت و عضویت سیاسی متعارف و رسمی (رای‌دهی)، قانون‌گریزی، توطئه‌اندیشی، آگاهی سیاسی کم، قدرت سیاسی یک‌طرفه (پذیرش اقتدار رسمی و دولتی)، انفعال سیاسی، اعتماد به نهادهای رسمی و دولتی
		سمت‌گیری نسبت به سیستم سیاسی، واگرایانه
		سمت‌گیری نسبت به عمل جمعی، تفرددگرایانه
		ارزش‌های سستی
فرهنگ سیاسی دموکراتیک‌گرایانه	ارزش‌های عقلانی	سرمايه اجتماعي درون‌گروهي، قوم‌مداري، فقدان تساهل و مدارا، اعتماد بین‌فردی کم
		بیگانه‌ستیزی، ارزش‌های خانواده‌گرایی غیراخلاقی، ذهن بسته، اجتماعی شدن رسمی و اجباری، میل به خشونت، عدم مسئولیت‌پذیری، اعتماد صمیمانه شخصی، برتری جنسیتی (مردسالارانه)
		تأکید بر الگوی تربیتی اقتدارگرایانه
		دین‌داری تعصبی
		ارزش‌های ابراز وجود و فرامادی‌گرایانه
فرهنگ سیاسی دموکراتیک‌گرایانه	ارزش‌های عقلانی	مشارکت و عضویت سیاسی غیررسمی و خودانگیخته، قانون‌گرایی، آگاهی سیاسی بالا، تقاضا برای مشارکت در زندگی سیاسی و اقتصادی، عمل‌گرایی سیاسی، اعتماد کم به نهادهای سیاسی رسمی و دولتی، تأکید بر حوزه عمومی و استقلال مدنی
		سمت‌گیری نسبت به سیستم سیاسی، همگرایانه
		سمت‌گیری نسبت به عمل جمعی، مشارکت‌جویانه
		تأکید بر الگوی تربیتی مشارکت‌گرایانه
		دین‌داری تعقلی



فرهنگ سیاسی اقتدارگرایانه را بر مبنای دو مجموعه ارزش‌های زیر آزمون کرده‌ایم: ارزش‌های مادی‌گرایانه (یا بقا): ارزش‌هایی هستند که سطح عینی، مادی و اولیه‌نیازهای افراد را شامل می‌شوند. در جامعه‌ای که این دسته از ارزش‌ها حاکم‌اند، به رشد و توسعه اقتصادی، فنی و تکنولوژیکی اولویت زیادی داده می‌شود (اینگلهارت و ولزل، 1389). در این پژوهش، ارزش‌های مادی‌گرایانه را براساس شش معرف تجربی (ر.ک: جدول 3) مورد آزمون قرار داده‌ایم.

ارزش‌های سنتی: ارزش‌هایی هستند که بر پایه مبانی سنتی، بر احترام و اطاعت از قدرت و اقتدار حاکم تأکید می‌کنند (همان‌جا). در این پژوهش، ارزش‌های سنتی را ابتدا به چهار خرده‌ابعاد تقسیم کرده و هرکدام از ابعاد را با معرف‌های تجربی که در جدول سه نشان داده‌ایم، سنجیده‌ایم.

فرهنگ سیاسی دموکراتیک هم بر مبنای دو مجموعه ارزش‌های زیر مورد سنجش قرار گرفته است:

ارزش‌های ابراز وجود (یا فرامادی‌گرایانه): «دگرگونی فرهنگی از نظم جمعی به آزادی فردی، از یک‌پارچگی به تنوع انسانی و از دولت اقتدارگرا به استقلال فردی موجب رشد سندر می‌شود که آن را ارزش‌های ابراز وجود می‌نامند» (همان، 23). ارزش‌های ابراز وجود در نقطه مقابل ارزش‌های مادی‌گرایانه قرار دارند. به‌جای پروکراتیک شدن و تمرکز، ارزش‌های ابراز وجود بر روند جدید در جهت افزایش استقلال انسانی تأکید می‌کنند که رشد‌هایی از اقتدار را به‌همراه می‌آورد. در این تحقیق، برای سنجش ارزش‌های ابراز وجود از شش معرف تجربی (ر.ک: جدول 3) استفاده کرده‌ایم.

ارزش‌های عقلانی: ارزش‌هایی هستند که بر آزادی و اراده فردی تأکید می‌کنند. براساس این ارزش‌ها، زندگی جمعی بر مبنای مشارکت و تصمیم افراد شکل می‌گیرد. در این پژوهش، برای سنجش ارزش‌های عقلانی چهار خرده‌ابعاد را انتخاب کرده و هر یک از آن‌ها را با معرف‌های تجربی سنجیده‌ایم.

به‌استناد جدول ارزش‌فازی، برای هر یک از مفاهیم و خرده‌ابعاد فرهنگ سیاسی به شرح زیر مقیاس فازی ساخته شده است:

#### جدول 4 درجه‌بندی فازی مفاهیم

درجه‌بندی فازی	خرده‌ابعاد فرهنگ سیاسی
مادی‌گرایی کامل (0/99)، بیشتر مادی‌گرا (0/75)، بینابین (0/50)، بیشتر فرامادی‌گرا (0/25)، فرامادی‌گرایی کامل (0/01)	مادی‌گرایانه / فرامادی‌گرایانه
سمت‌گیری سیاسی کاملاً واگرا (0/99)، بیشتر سمت‌گیری سیاسی واگرا (0/75)، بینابین (0/50)، بیشتر سمت‌گیری سیاسی همگرا (0/25)، سمت‌گیری سیاسی کاملاً همگرا (0/01)	سمت‌گیری سیاسی واگرایانه / سمت‌گیری سیاسی همگرایانه
سمت‌گیری اجتماعی کاملاً فردگرا (0/99)، بیشتر سمت‌گیری اجتماعی فردگرا (0/75)، بینابین (0/50)، بیشتر سمت‌گیری اجتماعی مشارکت‌گرا (0/25)، سمت‌گیری اجتماعی کاملاً مشارکت‌گرا (0/01)	سمت‌گیری اجتماعی فردگرایانه / سمت‌گیری اجتماعی مشارکت‌گرایانه
الگوی تربیتی کاملاً اقتدارگرا (0/99)، بیشتر الگوی تربیتی اقتدارگرا (0/75)، بینابین (0/50)، بیشتر الگوی تربیتی مشارکت‌جو (0/25)، الگوی تربیتی کاملاً مشارکت‌جو (0/01)	الگوی تربیتی اقتدارگرایانه / الگوی تربیتی مشارکت‌جویانه
دین‌داری کاملاً متعصب (0/99)، بیشتر دین‌داری متعصب (0/75)، بینابین (0/50)، بیشتر دین‌داری تعقلی (0/25)، دین‌داری کاملاً تعقلی (0/01)	دین‌داری تعصبی / دین‌داری تعقلی

اعتبار و پایایی معرف‌ها: در این پژوهش برای سنجش اعتبار معرف‌ها، روش تعیین اعتبار صوری<sup>16</sup> را به کار گرفته‌ایم. برای این منظور، به داوری اجتماع علمی رجوع کرده و با استفاده از نظر استادان و کارشناسان حوزه فرهنگ سیاسی، اعتبار معرف‌ها را ارزیابی کرده‌ایم. برای سنجش پایایی معرف‌ها نیز از روش آلفای کرونباخ استفاده کرده‌ایم. داده‌های تجربی در جدول زیر نشان می‌دهد که هریک از معرف‌ها از پایایی قابل قبولی برخوردار بودند.

#### جدول 5 ضریب پایایی معرف‌های تحقیق

ضریب پایایی	معرف‌ها
0/70	ارزش‌های مادی‌گرایانه / فرامادی‌گرایی
0/90	سمت‌گیری سیاسی واگرایانه / همگرایانه
0/82	سمت‌گیری اجتماعی فردگرایانه / مشارکت‌گرایانه
0/66	الگوی تربیتی اقتدارگرایانه / مشارکت‌گرایانه
0/89	دین‌داری تعصبی / تعقلی

### 3-4. تحلیل تجربی

پرسش مقاله از نوع توصیفی است و تحلیل تجربی را نیز در سطح توصیفی انجام داده‌ایم. برای این منظور، برای هر شهر به صورت جداگانه توزیع درصدی داده‌های تجربی گفتارهای هریک از مفاهیم را محاسبه کرده و سپس با استفاده از تکنیک میانگین فازی درصدهای ستونی، شاخص هریک از مفاهیم را ساخته‌ایم. با ترکیب شاخص‌های ناظر بر ابعاد مفاهیم و محاسبه میانگین حسابی آن‌ها، شاخص کل فرهنگ سیاسی هر شهر را استخراج کرده‌ایم. برای سهولت مقایسه، توزیع درجه‌ای هریک از شاخص‌ها و همچنین توزیع درجه‌ای شاخص فرهنگ سیاسی هر شهر را نیز استخراج و تحلیل کرده‌ایم.

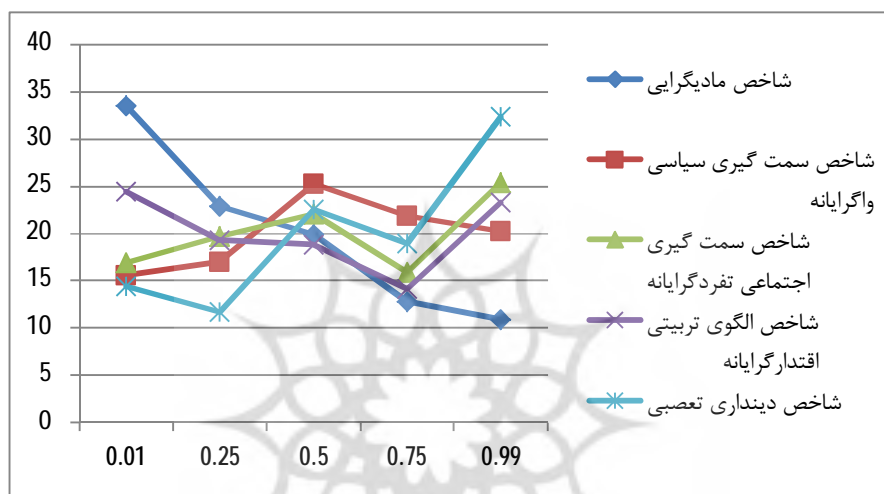
### 4-4. تحلیل فرهنگ سیاسی ارومیه

جدول 6 مقایسه توزیع درصدی درجه عضویت پاسخ‌گویان ارومیه در مجموعه فرهنگ سیاسی

(0.99)	(0.75)	(0.5)	(0.25)	(0.01)	بازه مجموعه فازی
					خرده‌ابعاد فرهنگ سیاسی
10.92	12.77	19.93	22.87	33.5	شاخص مادی‌گرایی / فرامادی‌گرایی
20.27	21.86	25.23	17.02	15.58	شاخص سمت‌گیری سیاسی واگرایانه / همگرایانه
25.36	15.92	22.08	19.68	16.94	شاخص سمت‌گیری اجتماعی تفردگرایانه / مشارکت‌گرایانه
23.28	14.13	18.83	19.27	24.45	شاخص الگوی تربیتی اقتدارگرایانه / مشارکت‌جو
32.36	18.92	22.53	11.72	14.45	شاخص دین‌داری تعصبی / تعقلی
22.438	16.72	21.72	18.112	20.984	شاخص فرهنگ سیاسی ارومیه

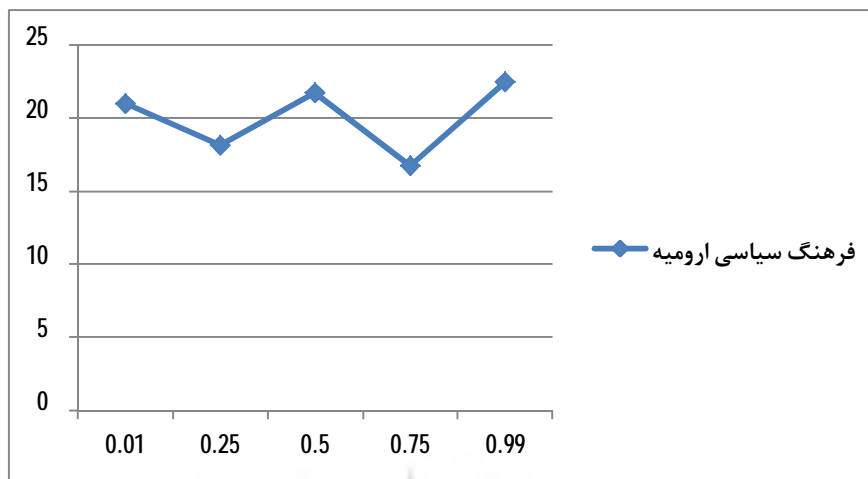
فرهنگ سیاسی کاملاً دموکراتیک (0/01)، بیشتر عضو فرهنگ سیاسی دموکراتیک (0/25)، بینابین (0/50)، بیشتر عضو فرهنگ سیاسی اقتدارگرا (0/75)، فرهنگ سیاسی کاملاً اقتدارگرا (0/99). شواهد تجربی جدول شش نشان می‌دهد بیشتر شهروندان ارومیه (22/43) عضو مجموعه فرهنگ سیاسی کاملاً اقتدارگرا هستند. در مجموع، 39/09 درصد از آن‌ها در مجموعه فرهنگ سیاسی دموکراتیک (کاملاً دموکراتیک و بیشتر دموکراتیک) و 39/15 درصد از آن‌ها نیز در مجموعه فرهنگ سیاسی اقتدارگرا (کاملاً اقتدارگرا و بیشتر اقتدارگرا) قرار دارند.

بر مبنای چارچوب نظری، در مجموعه ارزش‌های بقا و ارزش‌های ابراز وجود، بیشتر شهروندان ارومیه (56/37 درصد) دارای ارزش‌های ابراز وجود و فرامادی‌گرایانه‌اند؛ اما در مجموعه ارزش‌های سنتی و ارزش‌های عقلانی، بیشتر شهروندان (43 درصد) اولویت را به ارزش‌های سنتی (در هر چهار بعد آن) داده‌اند.



شکل 1 مقایسه توزیع درجه‌ای عضویت پاسخ‌گویان شهر ارومیه در مجموعه شاخص‌های خرده‌ابعاد فرهنگ سیاسی

نمودار توزیع درجه‌ای الگوی پراکنش تعلقات ارزشی شهروندان ارومیه را نشان می‌دهد. غیر از مجموعه ارزش‌های بقا که تمایلات پاسخ‌گویان بیشتر به سمت ارزش‌های ابراز وجود است، در مجموعه ارزش‌های سنتی، در هر چهار بُعد، پاسخ‌گویان تعلقات ارزشی سنتی داشته‌اند.



شکل 2 توزیع درجه‌ای عضویت پاسخ‌گویان شهر ارومیه در مجموعه فرهنگ سیاسی

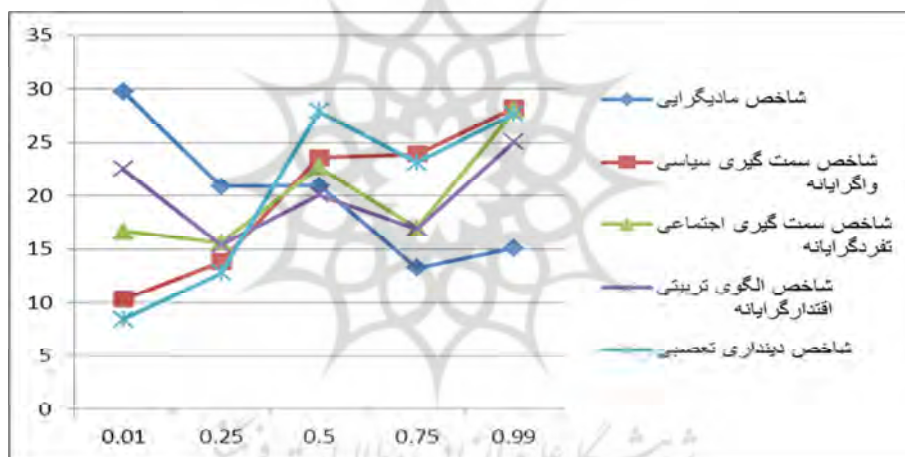
شکل شماره دو نشان می‌دهد فرهنگ سیاسی شهروندان ارومیه یک فرهنگ سیاسی دوجبهی است؛ به این ترتیب که هم تمایلات ارزشی اقتدارگرایانه (39 درصد) و هم تمایلات ارزشی دموکراتیک (39 درصد) در این فرهنگ وجود دارد. بسیاری از شهروندان (21/7 درصد) نیز تمایلات ارزشی بینابین اقتدارگرایی و دموکراتیک دارند.

#### 4-5. تحلیل فرهنگ سیاسی خرم‌آباد

جدول 7 مقایسه توزیع درصدی درجه عضویت پاسخ‌گویان شهر خرم‌آباد در مجموعه فرهنگ سیاسی

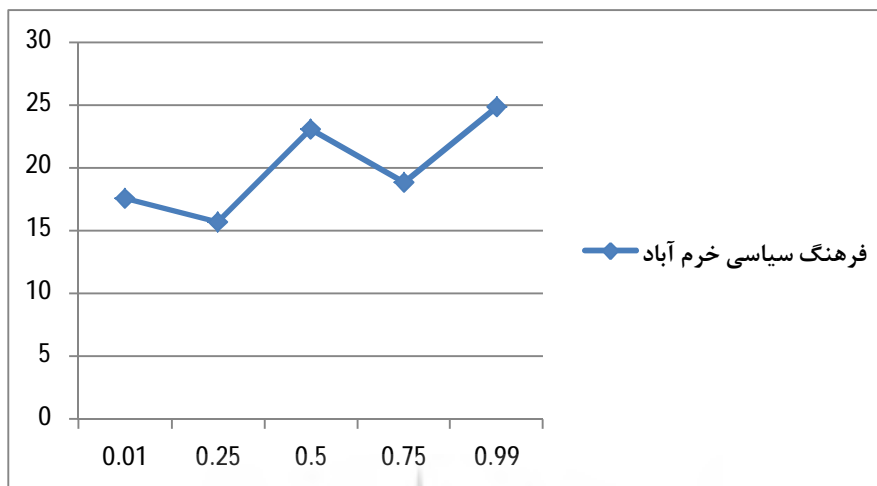
بازه مجموعه فازی		(0.01)	(0.25)	(0.5)	(0.75)	(0.99)
خرده‌ابعاد فرهنگ سیاسی						
شاخص مادی‌گرایی / فرامادی‌گرایی						
29.76	20.9	20.97	13.26	15.1		
شاخص سمت‌گیری سیاسی واگرایانه / همگرایانه						
10.36	13.82	23.58	23.93	28.28		
شاخص سمت‌گیری اجتماعی فردگرایانه / مشارکت‌گرایانه						
16.7	15.6	22.69	16.97	28.03		
شاخص الگوی تربیتی اقتدارگرایانه / مشارکت‌جو						
22.51	15.38	20.09	16.915	25.09		
شاخص دین‌داری تعصبی / تعقلی						
8.45	12.82	27.93	23.125	27.68		
شاخص فرهنگ سیاسی خرم‌آباد						
17.556	15.704	23.052	18.84	24.836		

فرهنگ سیاسی کاملاً دموکراتیک (0/01)، بیشتر عضو فرهنگ سیاسی دموکراتیک (0/25)، بینابین (0/50)، بیشتر عضو فرهنگ سیاسی اقتدارگرا (0/75)، فرهنگ سیاسی کاملاً اقتدارگرا (0/99).  
براساس شواهد تجربی جدول شماره هفت، بیشتر شهروندان خرم‌آباد (24/83 درصد) در مجموعه فرهنگ سیاسی کاملاً اقتدارگرا قرار دارند. در مجموع، 43/67 درصد از آن‌ها در مجموعه فرهنگ سیاسی اقتدارگرا (کاملاً اقتدارگرا و بیشتر اقتدارگرا) و 33/25 درصد نیز در مجموعه فرهنگ سیاسی دموکراتیک (کاملاً دموکراتیک و بیشتر دموکراتیک) هستند. بسیاری (23 درصد) از شهروندان نیز فرهنگ سیاسی بینابین دارند. بر مبنای شواهد تجربی، فرهنگ سیاسی شهروندان خرم‌آباد (برخلاف ارومیه) بیشتر اقتدارگرایانه است تا دموکراتیک؛ اگرچه تمایلات فرهنگی دموکراتیک بسیاری هم دارند.



شکل 3 مقایسه توزیع درجه‌ای عضویت پاسخ‌گویان شهر خرم‌آباد در مجموعه شاخص‌های خرده‌ابعاد فرهنگ سیاسی

داده‌های تجربی نشان می‌دهند در مجموعه ارزش‌های بقا و ارزش‌های ابراز وجود، شهروندان خرم‌آباد بیشتر (50/66) تمایلات ارزشی ابراز وجود (فرامادی‌گرایانه) دارند؛ اما در مجموعه ارزش‌های سنتی و ارزش‌های عقلانی، تعلقات سنتی (47/4 درصد) بر ارزش‌های عقلانی (28/9 درصد) غلبه دارند.



شکل 4 توزیع درجه‌ای عضویت پاسخ‌گویان شهر خرم‌آباد در مجموعه فرهنگ سیاسی

نمودار درجه‌ای شماره چهار گویای این است که فرهنگ سیاسی شهروندان خرم‌آباد بیشتر اقتدارگرایانه است؛ اگرچه تمایلات ارزشی دموکراتیک بسیاری نیز دارند.

#### 4-6. داوری درباب فرضیه

فرضیه مقاله به این شرح بود: «میزان عضویت شهروندان دو شهر ارومیه و خرم‌آباد در مجموعه فرهنگ سیاسی تفاوت می‌پذیرد؛ به طوری که شهروندان ارومیه بیشتر عضو مجموعه فرهنگ سیاسی اقتدارگرا و شهروندان خرم‌آباد بیشتر عضو مجموعه فرهنگ سیاسی دموکراتیک هستند».

یافته‌های تجربی مقاله بر آن دلالت دارد که فرهنگ سیاسی ارومیه و خرم‌آباد تفاوت دارد. در الگوی فرهنگ سیاسی ارومیه، در مجموع  $39/09$  درصد از شهروندان در مجموعه فرهنگ سیاسی دموکراتیک و  $39/15$  درصد از آنان در مجموعه فرهنگ سیاسی اقتدارگرا عضو هستند؛ بنابراین الگوی فرهنگ سیاسی ارومیه الگوی نیمه‌دموکراتیک و نیمه‌اقتدارگرایانه است. اما در الگوی فرهنگ سیاسی خرم‌آباد، در مجموع  $33/25$  درصد از شهروندان در مجموعه فرهنگ سیاسی دموکراتیک و  $43/67$  درصد از آنان در مجموعه فرهنگ سیاسی اقتدارگرا عضو هستند. بر مبنای نتایج پژوهش، فرضیه تحقیق تأیید نمی‌شود. بنابراین، نتیجه مقایسه الگوی فرهنگ

سیاسی دو شهر این است که فرهنگ سیاسی ارومیه دموکراتیک‌تر از خرم‌آباد و فرهنگ سیاسی خرم‌آباد اقتدارگراتر از فرهنگ سیاسی ارومیه است.

## 5. نتیجه

براساس یافته‌های تحقیق، الگوی واحدی بر فرهنگ سیاسی جامعه ایران حاکم نیست. فرهنگ سیاسی در بازه اقتدارگرایی و دموکراتیک‌گرایی در نوسان است. شکل پنج نشان می‌دهد الگوی فرهنگ سیاسی ارومیه و خرم‌آباد تاحدودی شبیه به یکدیگر است. در هیچ‌کدام از دو شهر، فرهنگ سیاسی همسان و واحدی را شاهد نیستیم. مجموعه ارزش‌های توده در یک طیف دوجهی اقتدارگرایی و دموکراتیک‌گرایی در نوسان است؛ به طوری که در فرهنگ سیاسی هر دو شهر، هم ارزش‌های اقتدارگرایی و هم ارزش‌های دموکراتیک‌گرایی وجود دارد. بنابراین، صرف انتساب مجموعه ارزش‌های سیاسی و به تبع آن اطلاق یک نوع فرهنگ سیاسی به جامعه ایران، فاقد اعتبار علمی است. واقعیت جامعه نشان می‌دهد مجموعه ارزش‌های سیاسی توده جامعه، یک مجموعه دوجهی است که هم ارزش‌های دموکراتیک و هم ارزش‌های اقتدارگرایی را در خود جای داده است.



شکل 5 مقایسه توزیع درجه‌ای عضویت پاسخ‌گویان شهر ارومیه و خرم‌آباد در مجموعه فرهنگ سیاسی



تحلیل فرهنگ سیاسی ایران \_\_\_\_\_ اسماعیل شریفی و همکاران

فرهنگ سیاسی کاملاً اقتدارگرا (0/99)، فرهنگ سیاسی بیشتر اقتدارگرا (0/75)، بینابین (0/50)، فرهنگ سیاسی بیشتر دموکراتیک (0/25)، فرهنگ سیاسی کاملاً دموکراتیک (0/01).

بر مبنای یافته‌های تحقیق، در هر دو شهر، شهروندان در مجموعه ارزش‌های بقا و ارزش‌های ابراز وجود بیشتر عضو مجموعه ارزش‌های ابراز وجود هستند. این نشان می‌دهد که با توسعه اقتصادی و اجتماعی نسبی که در جامعه صورت گرفته، نیازهای اولیه و مادی گرایانه بیشتر افراد برآورده شده و سطح نیازها و تمایلات آن‌ها به سمت نیازهای ابراز وجود و ارزش‌های فرامادی گرایانه سوق یافته است. به عبارتی می‌توان نتیجه گرفت که در محور اول ارزشی فرهنگ سیاسی (که به اعتقاد اینگلهارت، محور اساسی دموکراسی است) در جامعه، گذار از ارزش‌های بقا به ارزش‌های ابراز وجود صورت گرفته است؛ اما در محور دوم ارزشی فرهنگ سیاسی (ارزش‌های سنتی در مقابل ارزش‌های عقلانی) در هر چهار شاخص (سمت‌گیری سیاسی، سمت‌گیری اجتماعی، الگوی تربیتی و نوع دین‌داری) در هر دو شهر، پای‌داری ارزش‌های سنتی در مقابل ارزش‌های عقلانی را شاهدیم؛ به طوری که در این مجموعه ارزشی، تعلقات و ترجیحات ارزشی شهروندان بیشتر به سمت مجموعه ارزش‌های سنتی است. با وجود گذار از ارزش‌های مادی گرایانه به سمت ارزش‌های ابراز وجود، این گذار از ارزش‌های سنتی به ارزش‌های عقلانی انجام نگرفته است. بنابراین، مانع اصلی در دموکراتیک شدن فرهنگ سیاسی جامعه، پای‌داری مجموعه ارزش‌های سنتی و عدم موفقیت در گذار ارزشی توده از ارزش‌های سنتی به ارزش‌های عقلانی است.

جدول 8 مقایسه فرهنگ سیاسی ارومیه و خرم‌آباد

بازه مجموعه فازی					فرهنگ سیاسی
(0.99)	(0.75)	(0.5)	(0.25)	(0.01)	
22.438	16.72	21.72	18.112	20.984	شاخص فرهنگ سیاسی ارومیه
24.836	18.84	23.052	15.704	17.556	شاخص فرهنگ سیاسی خرم‌آباد

فرهنگ سیاسی کاملاً دموکراتیک (0/01)، بیشتر عضو فرهنگ سیاسی دموکراتیک (0/25)، بینابین (0/50)، بیشتر عضو فرهنگ سیاسی اقتدارگرا (0/75)، فرهنگ سیاسی کاملاً اقتدارگرا (0/99).

درباره نسبت بین مشارکت انتخاباتی و نوع فرهنگ سیاسی، بر مبنای داده‌های تجربی این تحقیق می‌توان نتیجه گرفت بین مشارکت انتخاباتی و نوع فرهنگ سیاسی رابطه وجود ندارد. تصور برخی نخبگان سیاسی (و حتی برخی اندیشمندان حوزه اجتماعی و سیاسی) جامعه بر این است که زیاد بودن میزان مشارکت انتخاباتی دال بر دموکراتیک بودن جامعه است و نشان می‌دهد که الگوی غالب فرهنگ سیاسی، دموکراتیک است. یافته‌های تجربی پژوهش گویای این است که شهر ارومیه با وجود کمترین میزان مشارکت انتخاباتی در دوره‌های مختلف انتخاباتی در مقایسه با خرم‌آباد- که بیشترین میزان مشارکت انتخاباتی را دارد- دارای فرهنگ سیاسی دموکراتیک است. بنابراین، برخلاف انتظار، زیاد بودن میزان مشارکت انتخاباتی دال بر دموکراتیک بودن فرهنگ سیاسی نیست.

در مجموع، نتایج تحقیق با الگوی نظری تحقیق تطابق دارد؛ در نتیجه نظریه فرهنگ سیاسی اینگلهارت با واقعیت جامعه ایران تناسب دارد. گفتنی است که بر مبنای الگوی نظری تحقیق، لازمه توسعه سیاسی و برقراری دموکراسی پای‌دار، توجه جدی به فرهنگ سیاسی و تحول در مجموعه ارزش‌های توده است.

در پایان لازم است یادآوری کنیم که انتخاب نمونه‌های تحقیق حاضر بر مبنای مشارکت انتخاباتی بوده است. ملاک‌های دیگر از جمله قومیت و مذهب در نظر گرفته نشده است؛ بنابراین متغیرهای قومیت و مذهب کنترل نشده است و احتمال می‌رود با در نظر گرفتن این ملاک‌ها، یافته‌های جدیدتری حاصل شود. بر این اساس، پیش‌نهاد می‌شود در پژوهش‌های آتی که در این زمینه انجام خواهد شد، این ملاک‌ها در نظر گرفته شود.

## پی‌نوشت‌ها

1. political culture
2. مطالعاتی که درباره فرهنگ سیاسی ایران انجام گرفته، بر اساس یکی از این ره‌یافت‌های پنج‌گانه بوده است: ره‌یافت روان‌شناختی، ره‌یافت منش‌گرایانه، ره‌یافت مردم‌شناختی، ره‌یافت تاریخی و ره‌یافت جامعه‌شناختی (محمدی، 1371؛ ربانی، 1389).
3. بسیاری از این پژوهش‌ها در بُعد نظری متأثر از دیدگاه‌های آلموند، پاول یا روزنبا، انواع چندگانه فرهنگ سیاسی را در نظر گرفته؛ اما در نتیجه‌گیری و یافته‌های پژوهش خود فرهنگ سیاسی ایران را

متناسب با یکی از دو نوع: اقتدارگرایانه و تبعی یا مشارکتی و دموکراتیک معرفی کرده‌اند. بشیریه (1375 و 1380) در تحلیل فرهنگ سیاسی گروه‌های حاکم قبل از انقلاب و نیز علل توسعه‌نیافتگی سیاسی جامعه ایران، تقسیم‌بندی دوگانه‌ای از فرهنگ سیاسی دارد و فرهنگ سیاسی تابعیت و پاتریمونیا را در برابر فرهنگ سیاسی مشارکت قرار می‌دهد. کشاورز (1375) نیز در پژوهش خود این نوع تقسیم‌بندی دوگانه را فرهنگ سیاسی دیرین یا مدل خصومت - زور و بی‌اعتمادی، و فرهنگ سیاسی جدید یا مدل مسالمت - استدلال و اعتماد نامیده است.

4. authoritarian

5. partnership

6. در منطق ارسطویی، پدیده‌ها به صورت صفر یا یک ارزش‌گذاری می‌شود؛ بنابراین اطلاق صفتی به یک پدیده یا صادق است یا کاذب. صفاتی همچون خوب/ بد، زشت/ زیبا و... برپایه این منطق طرح می‌شود. اما در واقعیت می‌بینیم که هیچ پدیده‌ای کاملاً زشت یا کاملاً زیبا نیست. پدیده‌ها میزانی از زشتی و زیبایی را دارند. در جامعه انسانی این امر بسیار صادق است؛ هیچ فردی را نمی‌توان یافت که کاملاً خوب یا کاملاً بد باشد. بنابراین، در حوزه انسانی و پدیده‌های اجتماعی، منطق ارسطویی کاربرد اندکی دارد.

7. دو نوع مسئله را می‌توان از هم تفکیک کرد: 1. مسئله نظری (theoretical problem)؛ 2. مسئله اجتماعی (social problem). مسئله نظری در نتیجه انتقاد از تئوری شکل می‌گیرد. در این معنا، مسئله محصول بحث انتقادی از جمله آزمون تجربی تئوری است (پوپر به نقل از ساعی، 1386). مسئله اجتماعی ناظر بر ناسازگاری دو سطح از واقعیت بیرونی و اجتماعی است.

8. برای اطلاعات بیشتر در این زمینه به گزارش‌ها و مقالات بانک جهانی پیمایش ارزش‌ها که داده‌های بیش از 80 کشور (شامل 85 درصد جمعیت جهان) و از سال 1981 - 2002م را جمع‌آوری کرده‌اند، در این آدرس مراجعه کنید: [www.worldvaluessurvey.org](http://www.worldvaluessurvey.org)

9. configuration

10. full membership

11. mostly in

12. cross-over point

13. mostly out

14. full nonmembership

15. درباره انتخاب جامعه آماری پژوهش، علاوه بر محدودیت‌های دسترسی و هزینه، دو نکته مهم مورد توجه است: اول اینکه با در نظر گرفتن مسئله تحقیق و تأکید بر ضرورت توجه به توده جامعه به جای یک قشر خاص، جامعه آماری پژوهش شامل توده مردم می‌شود. با در نظر گرفتن این ویژگی، ضمن برطرف کردن ضعف پژوهش‌های تجربی انجام‌گرفته در باب فرهنگ سیاسی ایران که

اغلب سراغ قشر خاصی از جامعه رفته‌اند، تمام افراد جامعه، فارغ از تفاوت‌های جمعیت‌شناختی و فرهنگی، جزء جامعه آماری قرار می‌گیرند. دومین نکته این است که با توجه به ملاک قرار گرفتن «مشارکت در انتخابات» در برخی پژوهش‌های موجود درباره فرهنگ سیاسی ایران (همان‌گونه که در بخش طرح مسئله بدان اشاره کردیم)، در این پژوهش علاوه بر در نظر گرفتن همه قشرهای جامعه، براساس معیار مشارکت در انتخابات، شهرهایی که به ترتیب بیشترین و کمترین میزان مشارکت در انتخابات مجلس را در ادوار نه‌گانه بعد از انقلاب 1357 داشته‌اند، به‌عنوان جامعه آماری انتخاب کرده‌ایم. هدف از این انتخاب، علاوه بر محدود و مشخص کردن جامعه آماری، توجه به ملاک مشارکت انتخاباتی و ارتباط آن با فرهنگ سیاسی است. برای این منظور، با مراجعه به آمارهای انتخاباتی کشور، شهرهای ارومیه و خرم‌آباد را به‌عنوان حوزه‌هایی که به ترتیب کمترین و بیشترین مشارکت را در انتخابات مجلس داشتند، جامعه آماری پژوهش برگزیدیم (برای اطلاع از آمارهای میزان مشارکت در انتخابات در ادوار مختلف بعد از انقلاب، به کتاب رفتار انتخاباتی در ایران تألیف علی دارابی مراجعه شود).

16. اعتبار سنجش به تطابق مفهوم با معرف‌های تجربی سنجش آن بستگی دارد. اصلی‌ترین روش آزمون اعتبار بررسی دقیق سنجه مفهوم در پرتو معنای آن و طرح این پرسش اساسی است که آیا ابزار سنجش واقعاً مفهوم مورد نظر را می‌سنجد یا نه. این نوع توجه و بررسی دقیق، روش تعیین اعتبار صوری است (بیکر، 1389: 138-139). به دلیل قرار گرفتن نظر متخصصان مربوط به‌عنوان مبنای صحت و سقم ابزار اندازه‌گیری، اعتبار صوری را اعتبار از نظر کارشناسان نیز می‌گویند (حبیب‌پور و صفری، 1390: 300).

## منابع

- احسانی، احمد (1386). فرهنگ سیاسی مردم: بررسی تطبیقی فرهنگ سیاسی مردم در قبل و بعد از انقلاب اسلامی. قم: دفتر پژوهش‌های اسلامی صدا و سیما.
- اخوان کاظمی، علی اصغر (1386). بحران نوگرایی و فرهنگ سیاسی در ایران معاصر. تهران: قومس.
- اینگلهارت، رونالد و کریستین ولزل (1389). نوسازی، تغییر فرهنگی و دموکراسی. ترجمه یعقوب احمدی. تهران: کویر.

- تحلیل فرهنگ سیاسی ایران \_\_\_\_\_ اسماعیل شریفی و همکاران
- آل غفور، سیدمحمدتقی (1380). «خاستگاه فرهنگ سیاسی ایران معاصر». *فصلنامه علوم سیاسی*. س 4. ش 4 (16).
- آلموند، گابریل و دیگران (1381). *چارچوب نظری برای سیاست تطبیقی*. ترجمه علیرضا طیب. تهران: نشر مرکز آموزش مدیریت دولتی.
- بدیع، برتران (1376). *توسعه سیاسی*. ترجمه احمد نقیبزاده. تهران: قومس.
- بشیریه، حسین (1375). «فرهنگ سیاسی گروه‌های حاکم دوره پهلوی». *فصلنامه نقد و نظر*. س 2. ش 3 و 4.
- \_\_\_\_\_ (1380). *موانع توسعه سیاسی در ایران*. تهران: گام نو.
- \_\_\_\_\_ (1387). *آموزش دانش سیاسی: مبانی علم سیاست نظری و تأسیسی*. تهران: مؤسسه نگاه معاصر.
- \_\_\_\_\_ (1390). «ایدئولوژی سیاسی و هویت اجتماعی در ایران». *مجله ناقد*. ش 2.
- بیکر، ترزال. (1389). *نحوه انجام تحقیقات اجتماعی*. ترجمه هوشنگ ناییب. تهران: نشر نی.
- تامپسون، جان بروکشایر (1382). *رسانه‌ها و مدرنیته؛ نظریه اجتماعی رسانه‌ها*. ترجمه مسعود اوحدی. تهران: سروش.
- چیلکوت، رونالد (1378). *نظریه‌های سیاست تطبیقی*. ترجمه وحید بزرگی و علیرضا طیب. تهران: مؤسسه فرهنگی رسا.
- حبیب‌پور، کرم و رضا صفری (1388). *راهنمای جامع کاربرد SPSS در تحقیقات پیمایشی*. تهران: لویه و متفکران.
- حسنی، مهدی (1388). «بررسی رابطه فرهنگ سیاسی شیعه و پیروزی انقلاب اسلامی». *فصلنامه مطالعات انقلاب اسلامی*. س 5. ش 17.
- دارابی، علی (1388). *رفتار انتخاباتی در ایران؛ الگوها و نظریه‌ها*. تهران: سروش.
- دواس، دی.ای.د. (1381). *پیمایش در تحقیقات اجتماعی*. تهران: نشر نی.
- ربانی، رسول و فرهاد شایگان‌فرد (1389). «فرهنگ سیاسی ایران و مؤلفه‌هایش». *فصلنامه سیاست*. د 40. ش 4.
- رزاقی، سهراب (1375). «مؤلفه‌های فرهنگ سیاسی ما». *فصلنامه نقد و نظر*. س 2. ش 3 و 4.

- زونیس، ماروین (1387). *روان‌شناسی نخبگان سیاسی ایران*. ترجمه پرویز صالحی، سلیمان امین‌زاده و زهرا لبادی. تهران: چاپخش.
- ساعی، علی (1386). *روش تحقیق در علوم اجتماعی*. تهران: آگه.
- \_\_\_\_\_ (1388). «معرفت‌شناسی فازی و دلالت‌های روش‌شناختی آن در علوم اجتماعی». *مجله مطالعات اجتماعی ایران* (ویژه‌نامه روش‌شناسی). د. 3. ش 4.
- سریع‌القلم، محمود (1387). *فرهنگ سیاسی ایران*. تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی وزارت علوم و تحقیقات و فناوری.
- سلین، اریک (1384). «انقلاب در جهان واقعی: بازنگری کارگزاری» در *نظریه‌پردازی انقلاب‌ها*. گردآورنده جان فوران. ترجمه فرهنگ ارشاد. تهران: نشر نی.
- سید امامی، کاووس (1376). *فرهنگ سیاسی نخبگان حاکم و کثرت‌گرایی (پلورالیسم) سیاسی در ایران (1322-1357)*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه تربیت مدرس. تهران.
- سینایی، وحید و غلامرضا ابراهیم‌آبادی (1384). «کثرت‌گرایی فرهنگی در عصر جهانی شدن و تحول فرهنگ سیاسی نخبگان در ایران». *نامه علوم اجتماعی*. ش 25.
- شریف، محمدرضا (1381). *انقلاب آرام، درآمدی بر تحول فرهنگ سیاسی در ایران معاصر*. تهران: روزنه.
- شریعتمداری، علی (1369). *روان‌شناسی تربیتی*. تهران: امیرکبیر.
- عالم، عبدالرحمان (1381). *بنیادهای علم سیاست*. تهران: نشر نی.
- عالی‌زاده، اسماعیل (1384). «فرهنگ سیاسی و جلوه‌های آن در انتخابات». *فصلنامه اطلاعات سیاسی - اقتصادی*. ش 215 و 216.
- عظیمی، غلامرضا و محمدرضا رسولی (1389). «مطالعه عرض - ملی بررسی عوامل مؤثر بر نابرابری سیاسی (با تأکید بر فرهنگ سیاسی)». *فصلنامه علوم اجتماعی*. ش 48.
- فارسون، سمیع و مهرداد مشایخی (1387). *فرهنگ سیاسی در جمهوری اسلامی ایران*. ترجمه معصومه خالقی. تهران: مرکز بازاندیشی اسلام و ایران.
- فرهادی، مرتضی (1387). *واره: درآمدی به مردم‌شناسی و جامعه‌شناسی تعاون*. تهران: شرکت سهامی انتشار.
- \_\_\_\_\_ (1391). *فرهنگ یاریگری در ایران*. تهران: مرکز نشر دانشگاهی.

تحلیل فرهنگ سیاسی ایران \_\_\_\_\_ اسماعیل شریفی و همکاران

- فوران، جان (1382). «نقش فرهنگ و مطالعات فرهنگی در بازشناسی انقلاب‌ها» در *نظریه‌پردازی انقلاب‌ها*. ترجمه فرهنگ ارشاد. تهران: نشر نی.
- کشاورز، عباس (1375). «درآمدی بر فرهنگ سیاسی ایران». *فصلنامه نقد و نظر*. س 2. ش 3 و 4.
- کیخا، عصمت (1383). «فرهنگ سیاسی شیعه و مناسبات آن با فرهنگ ایرانی و غربی». *مجله شیعه‌شناسی*. ش 8.
- گلچین، مسعود، مژگان حقخواه و فرشته سیدی (1387). «فرهنگ سیاسی دموکراتیک و عوامل مرتبط با آن». *مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه خوارزمی*. س 16. ش 61.
- گلدستون، جک (1385). *مطالعات نظری و تطبیقی در باب انقلاب‌ها*. ترجمه محمدتقی دلفروز. تهران: کویر.
- گل محمدی، احمد (1386). «درآمدی بر تبیین فرهنگی سیاست (نگاهی به رهیافت فرهنگ سیاسی در علم سیاست)». *پژوهشنامه علوم سیاسی*. ش 6.
- محسنی، منوچهر (1380). *جامعه‌شناسی جامعه اطلاعاتی*. تهران: دیدار.
- محمدی، مجید (1371). «مقدمه‌ای بر مطالعه فرهنگ سیاسی در ایران». *مجله فرهنگ و توسعه*. س 1. ش 3.
- مصلی‌نژاد، عباس (1388). «واکاوی فرهنگ سیاسی در ایران معاصر براساس تئوری انتقادی». *فصلنامه مطالعات سیاسی*. ش 5.
- نصرتی‌نژاد، فرهاد (1379). *بررسی فرهنگ سیاسی گروه‌های سیاسی ایران (با تکیه بر تحلیل محتوای سخنرانی‌ها و بیانیه‌های گروه‌های جامعه روحانیون، سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی و جمعیت مؤتلفه در سال‌های 1375-1377*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه تربیت مدرس. تهران.
- نفیسی، رسول (1379). «فرهنگ سیاسی و هویت ملی». *فصلنامه مطالعات ملی*. س 2. ش 5.
- یاسایی، مهشید (1368). *رشد و شخصیت کودک*. تهران: نشر مرکز.
- Baumrind, D. (1973). *The Development of Instrumental Competence Though Socialization*. University of Minnesota Press.

- Inglehart, R. & Ch. Welzel (2005). *Modernization, Cultural Change and Democracy*. New York and Cambridge: Cambridge University Press.
- Welzel, C. & R. Inglehart (2008). "Political Culture, Mass Beliefs, and Value Change". [www.worldvaluessurvey.org/wvs/articles/folder.../OUP\\_ch09.pdf](http://www.worldvaluessurvey.org/wvs/articles/folder.../OUP_ch09.pdf)
- Almond, G. & S. Verba (1965). *Civic Culture, Political Attitudes and Democracy in Five Nations*. Boston: Little, Brown and Company.

